

استعاره دستوری هلیدی در نثر و شعر معاصر (ویژه نوجوانان)

م.م. عبدالأمیر جاسب زامل

دانشکده معارف علوم انسانی/ابن رشد

دانشگاه بغداد

کلمات کلیدی: زبان فارسی. استعاره دستوری. نثر، شعر

چکیده:

دستور زبان برای سخن گویان امکانات گسترده‌ای از چپ‌نش ساختهای متفاوت فراهم می‌سازد. این ساختها به ایجاد بافت دستوری مناسب کمک میکنند و به این ترتیب به معنایی گسترده‌تر یا پیچیده‌تر دست خواهیم یافت. هلیدی در سال ۱۹۸۵ در کتاب ((درآمدی بر دستور نقش گرا)) استعاره دستوری را معرفی کرد و به آن پرداخت. استعاره دستوری مشخصه برجسته زبان بزرگسالان است و در مقایسه با زبان روزمره دیرتر فراگرفته میشود. بنابراین کودکان در سالهای پایانی دوران ابتدایی و راهنمایی به تدریج قادر به درک این پدیده دستوری خواهند بود. هدف مقاله حاضر این است که با توجه به آنچه هلیدی در رابطه با استعاره دستوری در زبان‌آموزی کودکان مطرح کرده است، کتابهای شعر و داستان نوجوانان گروه سنی ج و د (۹ تا ۱۳ سال) بررسی شود تا میزان استفاده از این پدیده و انواع آن در این گونه متون محک زده شود. به عبارت دیگر هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی و استخراج انواع استعاره های دستوری در کتابهای نثر و شعر فارسی نوشته شده مخصوص نوجوانان و تعیین بسامد آن است. در این پژوهش دو کتاب شعر و دو کتاب داستان انتخاب شده است. از تک تک کتابهای داستان ۸۰۰ جمله و همین طور از کتابهای شعر ۸۰۰ مصرع (در مجموع ۳۲۰۰ جمله و مصرع) به صورت تصادفی انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. پس از استخراج انواع استعاره‌های دستوری در کتابهای شعر و داستان، بسامدهای متفاوت این انواع به همراه تحلیل آنها به دست داده شد.

۱. مقدمه

در استعاره دستوری با صورت واژگانی- دستوری (lexicogrammar) سروکار داریم، در واقع استعاره دستوری رابطه بین صورت و معنایی را نشان میدهد که با یکدیگر رابطه مستقیم یا



یک به یک ندارند. علت عدم وجود رابطه یک به یک همان دستور زبان یا گرامر است که برای سخنگویان زبان امکانات گسترده‌ای از جمله توانایی تفکیک یا ترکیب کلمات و ساختها و چیدمهای مختلف کلمات را ایجاد کرده است تا در نتیجه به معنایی گسترده‌تری پیچیده‌تر از معنای ذاتی یک کلمه دست یابند (تامپسون ۲۰۰۴: ۲۱۹-۲۲۰).

در استعاره دستوری انتقال معنا توسط صورتی واژگانی - دستوری انجام میشود تا نوع دیگری از معنا که کاملاً با معنای اصلی کلمه متفاوت است ایجاد شود. در واقع انتخاب این صورت واژگانی- دستوری باعث انتقال معنایی متفاوت میشود و در کل، استعاره را ایجاد میکند (همان: ۲۲۲-۲۲۳).

به طور کلی سن تقریبی مسلط شدن بر استعاره ۱۳-۹ سالگی است. در واقع استعاره دستوری زمانی شکل میگیرد که کودکان با گفتار علمی، اداری و قضایی آشنایی پیدا میکنند یعنی زمانی که کودکان با دروس تخصصی روبه‌رو میشوند (هلیدی، ۱۹۹۴: ۶۳۶). هلیدی معتقد است برای این که کودکان یک متن نوشتاری دارای استعاره دستوری را درک کنند، نویسنده باید اطلاعات کافی را درون متن برای مخاطب خود جای دهد. یکی از روشهای کمک به مخاطب برای درک استعاره دستوری این است که نویسنده مطلب را به صورت غیر استعاری شروع کند و به تدریج همان مطلب را مجدداً به صورت استعاری بیان کند (همان: ۶۳۷).

برای تمام کسانی که به نوعی با تجزیه و تحلیل متن سروکار دارند، دانستن و درک استعاره دستوری امری ضروری است، چرا که پایه و اساس استعاره دستوری، معنا است و در این نوع استعاره با صورتهای واژگانی و واژه آرایهای متفاوت سروکار داریم که نشان میدهند چگونه میتوان یک معنا یا مفهوم را به صورتهای مختلف بیان کرد. از آنجا که استعاره دستوری پدیده‌ای است در ذهن انسان شکل میگیرد که از اهمیت خاصی برخوردار است، بررسی این مبحث در زبان فارسی به ویژه آثار ادبی کودکان امری ضروری به نظر میرسد. با پرداختن به آثار ادبی کودکان میتوان دریافت نویسندگان فارسی زبان در آثار خود تا چه اندازه از استعاره دستوری استفاده کرده اند.

بنابراین در مقاله حاضر هدف این است که با توجه به آنچه هلیدی در رابطه با این مبحث در زبان آموزی کودکان و نوجوانان مطرح کرده است، کتابهای شعر و داستان نوجوانان گروه سنی ۹ تا ۱۳ سال (بررسی شوند تا دریابیم آیا از استعاره دستوری استفاده شده است یا خیر؛ در صورت پاسخ مثبت، انواع آن را مشخص کرده و مورد بررسی قرار میدهم.

از هدفهای دیگر در این پژوهش علاوه بر استخراج انواع استعاره های دستوری در دو نوع متن نثر و شعر، استخراج بسامد و کاربرد هر یک از این انواع است. تعداد کاربرد استعاره دستوری نشان میدهد مؤلفان کتاب کودک تا چه اندازه به این مهم توجه دارند. برای رسیدن به اهداف مذکور، پرسشهای زیر مطرح را میتوان مطرح کرد:

- 1- انواع استعاره دستوری در شعرهای معاصر نوجوانان (۹ تا ۱۳ سال) کدامند؟
- 2- انواع استعاره دستوری در داستانهای معاصر نوجوانان (۹ تا ۱۳ سال) کدامند؟
- 3- بسامد وقوع استعاره های دستوری در کتابهای شعر نوجوانان بیشتر است یا در کتابهای داستان؟

به منظور بررسی استعاره دستوری در ادبیات کودکان و نوجوانان چهار کتاب، شامل دو کتاب شعر (نظم) و دو کتاب داستان (نثر) انتخاب شد و در هر کدام حدود ۸۰۰ بند یا مصرع بررسی شد جمعاً (۳۲۰۰ بند). عناوین این کتابها عبارتند از: کتاب شعر بچه‌های جهان برای گروه های سنی «ج» و «د»، کتاب شعر چشمه نور، کتاب داستان لبخند انار، کتاب داستان قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب.

به منظور بررسی دقیق داده ها و دست یافتن به نتایج معتبر، از هر کتاب حدود ۱۸ تا ۴۰ صفحه - با توجه به تعداد جملات هر صفحه- به طور تصادفی انتخاب شد و تمامی جملات (بندهای) این صفحات بررسی شد. چنانچه استعاره های در آنها مشاهده میشد جمله مورد نظر ثبت شده و نوع استعاره آن مشخص شده است.

۲. پیشینه تحقیق و مباحث نظری

برای نخستین بار ارسطو (۳۸۴ تا ۳۲۲ ق. م) به معرفی مفهوم استعاره پرداخت. ارسطو فنون زبان را به سه مقوله متمایز تقسیم کرد: منطق، فن خطابه و فن شعر. از دیدگاه او زبان شعر از زبان منطق و زبان خطابت جداست و آنچه موجب این تمایز میشود تا حدود زیادی از استعاره ناشی میشود. بدین معنا که در فن شعر، استفاده از استعاره فراوان است ، در واقع ارسطو استعاره را زینت کلام میدانند نه جنبه ذاتی و ضروری آن. البته ارسطو به این نکته نیز اشاره کرده است که گاه در منطق و خطابت نیز برای ایجاد تأثیراتی خاص ، استعاره به کار گرفته میشود . ارسطو در کتاب فن شعر به استعاره میپردازد ، تعریف او از استعاره این است : چیزی را به نامی بخوانیم که آن نام در اصل به چیز دیگری تعلق دارد. شایان توجه است در آثار ارسطو، رابطه‌ای که میان استعاره و مجاز از یک سو و تشابه از



سوی دیگر وجود دارد مورد بحث واقع نمیشود. با این حال به اعتقاد وی، تشبیه استعاره های است که به طرز متفاوتی بیان شده باشد (بورشه ۱۳۷۷: ۲۹۱).

سیسرون (Cyceron) استعاره را در مفهوم ارسطویی چنین معرفی میکند: استعاره صورت مختصر شده تشبیهی است که در قالب یک واژه بیان میگردد. سیسرون معتقد است که استعاره صورت کوتاه شده تشبیه است و جایی مینشیند که متعلق به آن نیست اما به ظاهر در جای اصلی خود نشسته است (همان: ۲۹۲).

در سنت آموزش فن سخنوری، دیدگاه کوین تیلیان (Quintillian) در باره استعاره ملاک اصلی قرار گرفته است. به اعتقاد وی، تقریباً تمام آنچه ما میگوییم نوعی استعاره به حساب میآید، به لحاظ مفهومی، استعاره یک تشبیه کوتاه شده است. هاوکس در قرن بیستم به نقل از آی. ریچاردز (I.E. Richards) حکمی در باب استعاره به دست میدهد که در جهان مدرن نفوذی عمیق از خود به جای گذاشته است. او متوجه شده بود که در هر برداشتی از نقش زبان در جامعه، باید برای نقش استعاره اهمیت قائل شد. ریچاردز معنا را کیفیتی پایدار و غیر قابل تغییر نمیداند، بلکه آن را کیفیتی در نظر میگیرد که کلمات بر اثر کاربرد کسب میکنند. هاوکس (Hawks) تعریفی را که ریچاردز در کتاب خود به نام فلسفه علم بیان از استعاره ارائه کرده است چنین نقل میکند: وقتی استعاره های به کار میگیریم دو ایده از دو چیز متفاوت داریم که با هم فعالند و یک کلمه یا عبارت واحد پشتوانه آنهاست که معنایش نتیجه کنش و واکنش آن دو است (پورداد ۱۳۸۶: ۱۹۲) مپسن (W. Empson)، شاگرد ریچاردز بر این عقیده است که ابهام جنبه ای است لازم در زبان که خود به بارورتر شدن فرایند استعاره میانجامد (همان).

یاکوبسن در آثار خود به قطبهای استعاری (metaphoric poles) و مجازی (metonymic poles) میپردازد که در اصل برگرفته از آرای سوسور در زمینه روابط متداعی (جاننشینی) و همنشینی است (صفوی ۱۳۸۳: ۲۷-۲۸). یاکوبسن استعاره را فرایندی میدانند که نشانه ای را از محور متداعی به جای نشانه دیگری قرار میدهد و مجاز بر عکس، فرآیندی است که بر روی محور همنشینی عمل میکند و نشانه ها را کنار هم مینشانند.

وی عملکرد بر روی محور متداعی را مبتنی بر «تشابه» میدانند؛ یعنی یک واحد زبانی به این دلیل به جای واحد دیگری قرار میگیرد که با آن مشابه است. از سوی دیگر، عملکرد بر روی محور همنشینی بر «مجاورت» متکی است. دو واحد زبانی زمانی میتوانند همنشین یکدیگر شوند که از امکان مجاورت با یکدیگر برخوردار باشند (همان: ۹۸).

بدیهی است که سخنگوی طبیعی زبان هنگام کاربرد زبان از هر دوی این فرایندها بهره میگیرد. به اعتقاد یاکوبسن ، عدم توانایی در کاربرد هر یک از این فرایندها، اختلالی زبانی است . وی به وجود دو نوع اختلال زبانی یا زبانپریشی (aphasia) قائل است . آنگونه از زبانپریشی که باعث شود فرد نتواند واژه‌های رابه جای واژه دیگری انتخاب کند یعنی تشابه را درک نکند، نشانگر عدم توانایی او در کاربرد قطب استعاری است . زبانپریشی دوم زمانی مطرح میشود که فرد زبانپریش توانایی کنار هم قرار دادن واژه ها را نداشته باشد؛ در این صورت او قادر با استفاده از قطب مجازی نیست (همان: ۹۸-۹۹) . صفوی به نقل از شمیس متذکر میشود که استعاره نوعی مجاز است که مبتنی بر تشابه است (همان : ۱۲۷).

هلیدی بنیانگذار مبحث استعاره دستوری ، در سال ۱۹۸۵ با چاپ کتاب درآمدی بر دستور نقش گرا با همکاری متیسن (Matthiessen) به این مبحث پرداخته است . پس از انتشار این کتاب افراد دیگری از جمله تامپسون (Thompson) (۱۹۹۶ و ۲۰۰۴) با نوشتن کتابی به نام معرفی دستور نقشی به تفسیر و تحلیل مطالب عنوان شده توسط هلیدی پرداختند.

تینا پرتینن (Tina Purttinnen) (۱۹۹۸) در مقاله خود به بررسی و مقایسه عبارات مصدری و غیر مصدری میپردازد. وی معتقد است که ساختهای مصدری در واقع استعاره دستوری از نوع اسمی شدگی هستند. این ساختهای مصدری وقتی در متون ادبی کودکان استفاده میشوند ساختار پیچیده‌ای ایجاد میکنند که خوانایی متن را کاهش میدهند، در نتیجه فهم کودک از آنچه منظور نویسنده بوده کمتر میشود. دلایلی که فهم ساختهای مصدری را دشوار میسازند عبارتند از: عبارات مصدری قابلیت ذخیره کردن اطلاعات گسترده ای را درون خود دارند که تجزیه و تحلیل این اطلاعات برای کودک مشکل است ، تکرار یا حشو در جملاتی که دارای عبارات مصدری هستند کمتر از عبارات غیر مصدری است و حروف ربط و کلماتی که روابط علی معلولی را در بین بندها مشخص میکنند کمتر در این ساختها ظاهر میشوند، طبیعتاً چنین ساختارهایی از خوانایی کمتری برخوردار هستند (۵۲۴-۵۳۳) سایمون (Simon). وندنبرگن (Vandenbergen) به نقل و قول از مریام تاورنیرز استعاره دستوری را چنین عنوان میکند: استعاره واژگانی زیرشاخه ای از استعاره دستوری است که شامل دو نوع است: الف) اندیشگانی (ideational) و ب) استعاره میانفردی (وندنبرگن، ۲۰۰۳: ۵).

در ایران نیز پژوهشهایی به این موضوع در فارسی اختصاص یافته است. صناعی (۱۳۸۶) در رساله خود با عنوان مفهومی‌شناسی در واژه‌سازی زبان فارسی به بررسی استعاره دستوری



پرداخته است. افراد دیگری همچون افتخاری (۱۳۸۶)، پورداد (۱۳۸۷)، چاوشی (۱۳۹۰) نیز پژوهشهایی را در این خصوص انجام داده‌اند.

نظریه نقش‌گرای نظاممند هلیدی، به دنبال مکتب لندن و برپایه نظریه نظام-ساخت (System-Structure Theory) فرث (Firth) بنا نهاده شده است. این دستور برپایه روابط جانمایی است و زبان را شبکه‌ای از نظامهای مرتبط به هم برای نشان دادن روابط معنایی میدانند. بنابراین، میتوان گفت که دستور نقش‌گرا دستوری معنابنیان است. زیرا هرچیزی در آن با ارجاع به نقش ارتباطی و کاربردی زبان تبیین میشود و صورت و ساخت در خدمت نقش ارتباطی است. هلیدی به چهار نقش اصلی در زبان معتقد است و چون هر یک از این نقشها دارای زیر-نقشهایی نیز میباشد، آن نقشهای اصلی را فرانش (metafunction) مینامد (هلیدی ۱۹۹۳: ۳۶). هر یک از این فرانشها در دستور تجلی خاصی دارند.

هلیدی معتقد است استعاره دستوری مفهومی گسترده است و استعاره در مفهوم سنتی آن، زیرشاخه‌ای از استعاره دستوری میباشد. تامپسون (۲۰۰۴) در این باره میگوید: در استعاره دستوری با صورت واژگانی - دستوری سروکار داریم، در واقع این نوع استعاره رابطه بین صورت و معنایی را نشان میدهد که با یکدیگر رابطه مستقیم یا یک به یک ندارند. علت عدم وجود رابطه یک به یک همان دستور زبان یا گرامر هست که برای سخنگویان زبان امکانات گسترده‌ای از جمله توانایی تفکیک و ترکیب کلمات و ساختها و چیدمان مختلف کلمات را مهیا ساخته تا در نتیجه به معنایی گسترده‌تر یا پیچیده‌تر یا کاملاً متفاوت از معنای ذاتی یک کلمه دست یابیم (ص ۲۱۹-۲۲۰).

استعاره دستوری میتواند در سه فرانش کلی (اندیشگانی شامل استعاره‌های تجربی (experiential) و منطقی (logical) (بخش ۱-۲)، میانفردی (برخی این اصطلاح را بینافردی هم نامیده‌اند) شامل استعاره‌های وجه (mood) و وجه‌نمایی (modality) (بخش ۲-۲) و متنی (textual) تجلی پیدا کند. لازم به ذکر است که طبقه‌بندی هلیدی در استعاره دستوری کمی نسبت به طبقه‌بندی تامپسون متفاوت است، در واقع هلیدی استعاره دستوری را به دو بخش استعاره میانفردی و استعاره اندیشگانی تقسیم کرده است. در این پژوهش نیز نگارنده‌ها با توجه به توضیحاتی که هلیدی در باره استعاره‌های دستوری داده است، داده‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند، یعنی استعاره متنی را که تامپسون تعریف کرده است را کنار گذاشته و بر اساس چارچوب هلیدی داده‌ها را مورد تحلیل قرار داده‌اند.

در زیر به بررسی اجمالی این دو نوع استعاره پرداخته میشود:

۱-۲ استعاره اندیشگانی

هلیدی دو فرانش تجرّبی و منطقی را با عنوان فرانش اندیشگانی مطرح کرده است. در زیر بخشهای بعدی به این دو نوع فرانش و استعاره اشاره خواهد شد:

۱-۱-۲ استعاره تجرّبی

در استعاره تجرّبی که عمده آن را پدیده اسم سازی (اسمی شدگی) (nominalization) تشکیل میدهد، فرایند و صفت به اسم تبدیل میشوند. در بخشی دیگر فعل و قید به صفت تبدیل میشوند. در ساختارهایی که دارای استعاره تجرّبی هستند با نوعی فشردگی واژگانی (lexical density) مواجه هستیم، حال آن که در صورت حقیقی این فشردگی کمتر است. به عبارت دیگر طی فرایند استعاره سازی با مقوله کاهش در بند مواجه هستیم. برای نمونه چگالی واژگانی دو جمله یکی با ساختار استعاری و دیگری با ساختار حقیقی با هم مقایسه میشود. به منظور تعیین چگالی واژگانی یک جمله، تعداد واژه های آن بر تعداد بندها تقسیم میشود.

صورت استعاری:

(۱) دیدید که	چقدر	ساده	از صبحانه	خوردن	بچه ها	فیلم	گرفتم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

(مرادی کرمانی، ۱۳۹۲: ۲۰)

برای به دست آوردن چگالی واژگانی، عدد ۸ (ملاک واژه های محتوایی است نه دستوری) یعنی تعداد واژه های بند مرکب بالا را تقسیم بر تعداد بندهای آن که ۲ است، میکنیم: $8 \div 2 = 4$

۲ ÷ ۸ برای جمله زیر که صورت حقیقی است نیز به همین ترتیب عمل میکنیم:

صورت حقیقی:

(2) دیدید که	چقدر	ساده	از بچه ها	که صبحانه	میخوردند	فیلم	گرفتم.
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

$8 \div 2 = 4$ همانطور که از محاسبه های بالا مشخص است چگالی واژگانی در صورت استعاری بیش از صورت حقیقی است.

3) This idea have been subject to widespread criticism.



در جمله بالا ایجاد استعاره دستوری از طریق اسم‌سازی انجام گرفته است. در واقع برای نشان دادن یک عمل که به طور معمول باید با یک فعل نشان داده شود، از یک اسم استفاده شده است. در این جمله به جای criticize از criticism استفاده شده است.

۲-۱-۲ استعاره منطقی

نوع دیگر استعاره، منطقی است که در آن روابط میان فرایندها با عنصری غیر از حرف ربط نشان داده میشود، به عنوان مثال در جمله زیر:

4) This world-wide expansion of English **means** that it is now one of the most widely spoken languages in the world [**because** English has expanded world-wide...]

(تامپسون، ۲۰۰۴: ۲۱۹-۲۲۰)

منظور از حرف غیر ربط کاربرد کلمه means به جای because است.

مثال فارسی:

۵) چه رسد به اینکه یکی از آنها را بچینند و بخورد که حسابش با چوب و فلک بود.

۲-۲ استعاره میانفردی

هلیدی در کتاب زبان علم (۲۰۰۶) (The Language of Science) دسته بندی سیزده گانه و دقیقی از استعاره دستوری ارائه میدهد که زیر مجموعه‌های دو نوع اصلی استعاره دستوری یعنی استعاره میانفردی و استعاره اندیشگانی محسوب میشوند. فرایندهای نامبرده عمدتاً استعاره‌های اندیشگانی به دست میدهند. زیرا در دستور نقش گرای هلیدی وجه در پدیدآیی معنای میانفردی و استعاره‌های میانفردی نقش مهمی دارد. البته پژوهش حاضر محدود به زبان نوشتاری است و مطالعه گفتار، خود مستلزم پژوهش دیگری است. بنابراین تعریف هلیدی از استعاره چنانچه در تبدیل بیان ساخت حقیقی به استعاری، تنزل رخ دهد «استعاره اندیشگانی» و در صورتی که این فرایند موجب ترفیع شود «استعاره میانفردی» به دست می‌آید.

در این استعاره که نتیجه فرانش میان فردی است دو مبحث وجه و وجه نمایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در زیر به تکتک آنها می‌پردازیم:

۲-۲-۱ استعاره وجه

با توجه به چهار هدف موجود در ایجاد ارتباط که از طریق چهار نقش گفتاری خبر (Statement)، پرسش (Question)، پیشنهاد (Offer) و فرمان (Command) ایجاد میشوند، می‌توان گفت که این نقشها از طریق سه ساخت دستوری شکل می‌گیرند و این

ساختهای دستوری ، وجه را در زبان ایجاد میکنند. این سه وجه شامل وجه اخباری (Indicative) ، استفهامی یا پرسشی (Interrogative) و امری (Imperative) میباشدند. در صورتهای حقیقی، خبرها از طریق وجه اخباری، پرسشها از طریق وجه استفهامی یا پرسشی و فرمانها توسط وجه امری ساخته میشوند. نکته قابل ذکر این است که ساخت دستوری ویژه‌ای برای بیان پیشنهاد وجود ندارد (هلیدی، ۲۰۰۴: ۱۰۷). استعاره دستوری از نوع وجه زمانی شکل میگیرد که نقش گفتاری مورد نظر با وجه استفاده شده مطابقت نداشته باشد، در این صورت استعاره شکل میگیرد. در مقابل اگر نقش گفتاری با وجه استفاده شده مطابقت داشته باشد، صورت ایجاد شده حقیقی خواهد بود. برای مثال جمله زیر به لحاظ وجه دارای وجه پرسشی یا استفهامی است اما به لحاظ نقش گفتاری یک فرمان است:

6) Could you get me a drink ?

(همان)

۲-۲-۲ استعاره وجه‌نمایی

استعاره وجه‌نمایی نظرگوینده را نسبت به احتمال یا ضرورت تحقق گزاره در بند بیان میکند. در صورت حقیقی احتمال و ضرورت تحقق گزاره توسط افعال وجه‌نما (Modal verbs) و افزوده‌های وجه‌نما (Modal adjuncts) نشان داده میشود. افعال وجه‌نما مانند: *must, will, should, could* و غیره؛ افزوده‌های وجه‌نما نیز شامل *probably* از قبیل *certainly* ، و نظیر آن میباشدند (هلیدی، ۲۰۰۴: ۶۱۵). در صورتهای استعاری به جای استفاده از افعال وجه‌نما و افزوده‌های وجه‌نما در بند اصلی، عنصر وجه نما در بندی جدا و فرافکن شده نشان داده میشود و از این طریق است که استعاره‌های دستوری از نوع وجه‌نمایی ایجاد میشوند (تامپسون، ۲۰۰۴: ۲۳۲). صورت استعاری:

7) I think it's going to rain .

صورت حقیقی:

8) It is probably going to rain.

(همان)



3. تحلیل داده ها

در این بخش به معرفی کتابهای مورد بررسی و سپس تحلیل داده های جمع آوری شده در چارچوب معرفی شده توسط هلیدی میپردازیم.

۱-۳ کتاب داستان لبخند انار

هشتصد جمله از این کتاب مورد بررسی قرار گرفت ، اما به دلیل محدودیت حجم مقاله ، تنها به چند نمونه از جملات بررسی شده بسنده شده است . لازم به ذکر است که نمونه های استعاری از متون کتابها استخراج شده و صورتهای حقیقی جزئی از تحلیل نگارندگان به شمار میروند.

۱-۳-۱ استعاره اندیشگانی

الف (استعاره تجربی :

صورت استعاری :

۹) از توجه تان سپاسگزارم

صورت حقیقی :

۱۰) از اینکه (شما) توجه کردید سپاسگزارم در جمله استعاری بالا اسم «توجه» را مشاهده میکنید که در صورت حقیقی به صورت فرایند «توجه کردن» بازنویسی شده است . در واقع تبدیل فعل به اسم یا همان اسم سازی ایجاد استعاره کرده است . مثال دیگر:

صورت استعاری:

۱۱) از تنبلی و گریز از مدرسه نجاتم داد.

صورت حقیقی:

۱۲) مرا نجات داد تا تنبل نباشم و از مدرسه نگریم.

ب (استعاره منطقی:

صورت استعاری:

۱۳) چه رسد به اینکه یکی از آنها را بچیند و بخورد که حسابش با چوب و فلک بود.

صورت حقیقی:

۱۴) اگر یکی از آنها را میچید و میخورد ، حسابش با چوب و فلک بود. مثال دیگر:

صورت استعاری:

۱۵) مخارج جدولبندی آرامگاه هنرمندان را میدهم به شرط آنکه روشن در آنجا دفن شود.

صورت حقیقی:



16) اگر روشن در آنجا دفن شود، مخارج جدولبندی آرامگاه هنرمندان را میدهم. همان گونه که در دو استعاره بالا مشاهده میشود، در صورت استعاری حرف اضافه (ساده یا ترکیبی) به جای حرف ربط به کار گرفته شده است.

۲-۱-۳ استعاره میانفردی

الف) استعاره وجهی:

صورت استعاری:

۱۷) خیلی وقت گرفتی مرادخانی، با این خاطره‌های که هر سال تعریف میکنی.

صورت حقیقی:

18) خلاصه صحبت کن و وقت ما را نگیر.

همان طور که قبلاً ذکر شد عدم انطباق بین نقش دستوری و وجه دستوری، منجر به شکل گیری استعاره وجهی خواهد شد. در صورت استعاری بالا هدف گوینده صورت امری است اما در قالب دستوری خبری بازنمایی شده است. در ادامه مثالی دیگر از استعاره وجهی ارائه میشود که جمله امری به صورت پرسشی بیان شده است:

صورت استعاری:

۱۹) چرا توهین میکنید؟

صورت حقیقی:

۲۰) توهین نکنید.

ب) استعاره وجه نمایی:

با بررسی جملات کتاب لبخند انار به پانزده مورد استعاره وجه نمایی برخوردیم. در زیر به دو

نمونه بسنده میکنیم:

صورت استعاری:

21) به صراحت بگویم اگر امروز پزشکی موفق هستم...

ساخت حقیقی:

22) صراحتاً اگر امروز پزشکی موفق هستم...

همان گونه که شاهد بالا نشان میدهد، در بند استعاری نظر گوینده در بندی مجزا ظاهر شده است، حال آنکه در صورت حقیقی فعل وجه نما چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارد. علی رغم استعاره تجربی که بر فشردگی واژه‌ها نسبت به صورت حقیقی میافزود، در استعاره وجه نمایی فشردگی واژه‌ها نسبت به صورت حقیقی کمتر است. فشردگی کمتر در نتیجه



تعداد بیشتر بندها پیش می‌آید. بنابراین همان گونه که در نمونه‌های استعاری و حقیقی بالا مشاهده می‌شود تعداد بندها در صورت استعاری بیشتر از صورت حقیقی است. مثالی دیگر از استعاره وجه‌نمایی:

صورت استعاری:

(23) از خوشحالی بود یا از نبود بابا، نمیدانم.

صورت حقیقی:

احتمالاً از خوشحالی بود یا از نبود بابا.

۱-۳ جمع‌بندی انواع استعاره از کتاب داستان لبخند انار

آنچه با بررسی وضعیت انواع استعاره در این کتاب به دست آمده است در جدول و نمودار زیر نمایش داده شده است.

استعاره میافردی		استعاره اندیشگانی		
وجهی	وجه‌نمایی	منطقی	تجربی	نوع
۱۲	۱۵	۲	۶۰	تعداد
٪۱/۵	٪۱/۸۷۵	٪۰/۲۵	٪۷/۵	درصد
۸۰۰		کل بندهای مورد بررسی		
۸۹		تعداد بندهای استعاری		
۷۱۱		تعداد بندهای حقیقی		

جدول ۱-۳ اطلاعات آماری استعاره‌ها در ۸۰۰ جمله از کتاب لبخند انار

۲-۳ کتاب داستان قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب

هشتصد جمله از این کتاب مورد بررسی قرار گرفت که در بخش‌های زیر به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱-۲-۳ استعاره اندیشگانی

الف) استعاره تجربی:

صورت استعاری:

(۲۵) هنگام بازگشت به همان خدمتکار برخوردند.

صورت حقیقی:



26) هنگامی که بازمیگشتند به همان خدمتکار برخوردند. همان گونه که در ساختار استعاری بالا مشاهده میشود اسم « بازگشت » را میتوان به صورت حقیقی « بازمیگشتند » بازنویسی کرد، بنابراین در این صورت استعاری فعل به اسم تبدیل شده است و شاهد اسمی- شدگی هستیم؛ به عبارت دیگر تبدیل یک فرایند به یک ماهیت. مثال دیگر:

صورت استعاری:

27) من از جنگ خوشم نمیآید.

صورت حقیقی:

28) من خوشم نمیآید که بجنگم. (یا دیگران با هم میجنگند)

(ب) استعاره منطقی:

در میان جملاتی که از این کتاب بررسی شد هیچگونه استعاره منطقی مشاهده نشد.

۲-۲-۳ استعاره میانفردی

(الف) استعاره وجهی :

صورت استعاری:

29) اگر مال ما بود میکشتم و کباب مفصلی میخوردیم.

صورت حقیقی:

30) بیا آن را بکشیم و کباب مفصلی بخوریم.

استفاده از ساخت استعاری خبری به جای ساخت حقیقی امری.

(ب) استعاره وجه نمایی:

صورت استعاری:

31) ممکن بود خود پیغمبر سفارش داده باشد.

صورت حقیقی:

32) شاید خود پیغمبر سفارش داده باشد.

۳-۲-۳ جمع بندی انواع استعاره از کتاب داستان قصه های خوب برای بچه های خوب

استعاره میانفردی		استعاره اندیشگانی		
وجهی	وجه نمایی	منطقی	تجربی	نوع
4	2	0	64	تعداد
٪۰/۵	٪۰/۲۵	٪۰	٪۸	درصد

٨٠٠	کل بندهای مورد بررسی
70	تعداد بندهای استعاری
٧30	تعداد بندهای حقیقی

جدول ۲-۳ اطلاعات آماری استعاره ها در ۸۰۰ جمله از کتاب قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب

۳-۳ کتاب شعر بچه‌های جهان

هشتصد بند از این کتاب مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش به ذکر چند نمونه از جملات بررسی شده می‌پردازیم.

۳-۳-۱ استعاره اندیشگانی

(الف) استعاره تجربی:

صورت استعاری :

(33) آن خنده آب با بوسه باد یک ابر سازد.

صورت حقیقی:

(۳۴) آب میخندد و باد میبوسد و یک ابر میسازد.

صورت استعاری:

(۳۵) با خنده و ترانه بر کوه شد روانه

صورت حقیقی:

(36) میخندید و ترانه میخواند و روانه کوه شد.

ساختار استعاره های ارائه شده در بالا نسبتاً مشابه هستند. در میان صورتهای حقیقی افعالی مشاهده میشوند که در ساختار استعاری به اسم تبدیل شده اند.

(ب) استعاره منطقی در جملات بررسی شده هیچ نمونه‌ای از استعاره منطقی یافت نشد.

۳-۳-۲ استعاره میانفردی

(الف) استعاره وجهی :

صورت استعاری:

(37) چرا با چشم خسته یک گوشه ساکت مینشینی

صورت حقیقی:

(38) با چشم خسته یک گوشه ساکت نشین در دو نمونه بالا استفاده از ساخت پرسشی در

حالت استعاری برای بازنمایی وجه امری مورد توجه بوده است .



صورت استعاری:

39) این نعمت خدا را کی شکر میتوانی؟

صورت حقیقی:

۴۰) نمیتوانی این نعمت خدا را شکر گویی.

ب) استعاره وجه نمایی:

هیچ موردی از استعاره وجه نمایی در این کتاب یافت نشد.

۳-۳-۳ جمع بندی انواع استعاره از کتاب شعر بچه های جهان

استعاره میان فردی		استعاره اندیشگانی		
وجهی	وجه نمایی	منطقی	تجربی	نوع
2	0	0	39	تعداد
۰/۲۵٪	۰٪	۰٪	۴/۸۷٪	درصد
کل بندهای مورد بررسی				۸۰۰
تعداد بندهای استعاری				41
تعداد بندهای حقیقی				۷59

جدول ۳-۳ اطلاعات آماری استعارهها در ۸۰۰ جمله (کتاب بچه های جهان)

۴-۳ کتاب شعر چشمه نور

دومین کتاب منظوم و آخرین کتابی که در این پژوهش مورد بررسی قرار میگیرد، کتاب چشمه نور است.

۳-۴-۱ استعاره اندیشگانی

برای این کتاب نیز همچون سه کتاب قبلی با استعاره اندیشگانی و به طور خاص استعاره تجربی که تا کنون متداول ترین استعاره بوده است، آغاز میکنیم.

الف) استعاره تجربی:

صورت استعاری:

41) شاخه میلرزد از غرش باد

صورت حقیقی:

42) باد میگرد و شاخه میلرزد در مصرعی که در بالا به عنوان شاهد اراده شده است فرایند مادی که در فعل «گریدن» مشاهده میشود به اسم «غرش» تبدیل شده است.

صورت استعاری:



43) پیری خداجو فریاد سرداد

صورت حقیقی:

44) پیری خدا را میجست فریاد سرداد

در استعاره بالا شاهد تبدیل فرایند (فعل) به کیفیت (صفت) هستیم. به عبارت دیگر فعل به صفت فاعلی تبدیل شده است.

ب) استعاره منطقی هیچ نمونه‌ای از استعاره منطقی یافت نشد.

۳-۴-۲ استعاره میانفردی

الف) استعاره وجهی تنها ۵ استعاره وجهی در جملات بررسی شده از این کتاب مشاهده شد. صورت استعاری:

۴۵) مادرم خسته‌ای بیا بنشین؛ این همه کار کرده‌ای، بس نیست؟

صورت حقیقی:

۴۶) مادرم خسته‌ای بیا بنشین؛ این همه کار کرده‌ای، بس است دیگر کار نکن.

استدلال: در استعاره بالا از ساخت پرسشی برای وجه امری استفاده شده است.

ب) استعاره وجه‌نمایی هیچ نمونه‌ای از استعاره وجه‌نمایی یافت نشد.

۳-۴-۳ جمع‌بندی انواع استعاره از کتاب چشمه نور

آنچه با بررسی وضعیت استعاره‌ها در این کتاب حاصل شده است را در جدول و نمودار زیر نمایش می‌دهیم.

استعاره میانفردی		استعاره اندیشگانی		
وجهی	وجه‌نمایی	منطقی	تجربی	نوع
5	0	0	47	تعداد
٪۰/۶۲۵	٪۰	٪۰	٪۵/۸۷	درصد
۸۰۰		کل بندهای مورد بررسی		
52		تعداد بندهای استعاری		
۷48		تعداد بندهای حقیقی		

جدول ۳-۴ اطلاعات آماری استعاره‌ها در ۸۰۰ جمله از کتاب چشمه نور



٤. نتیجه گیری

پس از بررسی داده ها مشخص شد بسامد استعاره های اندیشگانی به میزان قابل ملاحظه ای بیشتر از استعاره های میانفردی بود. زیرا در مجموع ۳۲۰۰ بند حدود ۲۱۲ استعاره اندیشگانی و تنها ۴۰ استعاره میانفردی در بیکره مشاهده شد. با تحلیل داده های دو کتاب داستان و نتایجی که به دست آمد میتوان به ساختار نسبتاً مشابه این دو کتاب اشاره کرد. از مجموع ۸۰۰ بند بررسی شده در کتاب لبخند انار، ۶۰ استعاره تجربی، ۲ استعاره منطقی، ۱۲ استعاره وجهی و ۱۵ استعاره وجه نمایی یافت شد. از مجموع ۸۰۰ جمله بررسی شده در کتاب قصه های خوب برای بچه های خوب، ۶۴ استعاره تجربی، ۰ استعاره منطقی، ۴ استعاره وجهی، ۲ استعاره وجه نمایی یافت شد. تفاوت در استعاره میانفردی در این دو کتاب قابل توجه است. از مجموع ۸۰۰ جمله بررسی شده در کتاب شعر بچه های جهان، ۳۹ استعاره تجربی، ۲ استعاره وجهی به دست آمد. در حالی که هیچ نمونه از استعاره های منطقی، وجه نمایی مشاهده نشد. از مجموع ۸۰۰ جمله بررسی شده در کتاب شعر چشمه نور، ۴۷ استعاره تجربی، ۵ استعاره وجهی مشاهده شد در حالی که هیچ نمونه ای از استعاره های منطقی، وجه نمایی به دست نیامد. دو کتاب شعر نیز به لحاظ نوع استعاره و بسامد وقوع آنها شباهت نشان میدهند.

در مجموع میتوان گفت بسامد وقوع استعاره ها در متن نثر بیش از شعر است و همچنین دارای تنوع بیشتری است. دیگر این که استعاره تجربی پر بسامدترین نوع استعاره در متون نوشتاری است. شایان ذکر است که در تمامی کتابهای بررسی شده تفاوت با رزی بین تعداد جملات استعاری و تعداد جملات حقیقی وجود دارد که با نگاهی به جدول ها و بررسی تعداد کل جملات استعاری و مقایسه آن با تعداد جملات حقیقی میتوان به وضوح به این مهم پی برد. بنابراین تعداد جملات استعاری بسیار کمتر از تعداد جملات حقیقی در متون بررسی شده است.

منابع

- افتخاری، روزبه. (۱۳۸۶). استعاره در زبان فارسی از منظر هلییدی. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بورشه. تئودور. (۱۳۷۷). زبان شناسی و ادبیات: تاریخچه چند اصطلاح. (ترجمه کوروش صفوی) انتشارات هرمس



- پورداد، افروز. (۱۳۸۷). استعاره دستوری در زبان علم فیزیک از دیدگاه نقش گرایی هلیدی، مطالعه موردی زبان‌کتب‌های دانشگاهی فیزیک ایران از سال ۱۲۵۶ تا ۱۳۸۶. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- چاوشی، مهسا. (۱۳۹۰). کارکرد استعاره دستوری در زبان علم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۷). زبان‌شناسی و ادبیات: تاریخچه چند اصطلاح. انتشارات هرمس.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳ [۱۳۷۳]). از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: سوره مهر.
- صناعی، مرضیه. (۱۳۸۶). مفهومی‌شناسی در واژه‌سازی زبان فارسی. پایان‌نامه دکترا. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- هاوکس، ترنس. (۱۳۸۶). استعاره. (مترجم: ف. طاهری). تهران: نشر مرکز.
- Halliday, M. A. K. ([1985]1994) An Introduction to Functional Grammar (2nd ed.). London: Edward Arnold.
- Halliday, M. & J., Martin (1993) Writing Science: Literacy and Discursive Power. London: Palmer Press.
- Halliday, M. A. K. (2006) Language of Science. Language and Arts Discipline. Bloomsbury Academi Publication.
- Puurtinen, T. (1998) . Translator's Journal, vol . 43, n 4, p. 524-533.
- Simon-Vandenberg, A.-M & Taverniers, M . (2003) . Grammatical Metaphor: Views from Systemic Functional Linguistics. Amsterdam: John Benjamin.
- Taverniers, M. (2004) Grammatical Metaphors in English. Moderna Spark, 26-17,(98) 1.
- Thompson, G. [1996]2004 Introducing Functional Grammar. London: Arnold.-

Summary in English

Halliday's grammatical metaphor in contemporary prose and poetry (especially for teenagers)

Keywords: Persian language. Grammatical metaphor. Prose, poetry

Summary:

Grammar provides speakers with a wide range of different constructions. These constructions help to create a suitable grammatical structure and in this way we will get a broader or more complex meaning. In 1985, Halliday introduced and discussed grammatical metaphor in the book "The advent of role-based grammar". Grammatical metaphor is a prominent feature of adult language and is learned later compared to everyday language. Therefore, children in the final years of elementary and middle school will gradually be able to understand this grammatical phenomenon. The purpose of this article is to examine the poetry and story books of teenagers in the age group J and D (9 to 13 years old) according to what Halliday has proposed in relation to command metaphor in children's language learning, so that the extent of using this phenomenon and its types in this type of texts should be tested. In other words, the main goal of the current research is to investigate and extract the types of grammatical metaphors in Persian prose and poetry books written for teenagers and determine their frequency. In this research, two books of poetry and two books of stories have been selected. 800 sentences from each story book and 800 stanzas from poetry books (3200 sentences and stanzas in total) were randomly selected and analyzed. After extracting the types of grammatical metaphors in the books of poetry and stories, the different frequencies of these types were obtained along with their analysis.

الاستعارة النحوية هليدي في النثر والشعر المعاصر (اليافعين انموذجاً)

م.م. عبدالأمير جاسب نرامل

كلية التربية للعلوم الانسانية / ابن مرشد

جامعة بغداد

abdulameer.chasib@ircoedu.uobaghdad.edu.iq

الكلمات المفتاحية: اللغة الفارسية. استعارة نحوية. النثر والشعر

الملخص:

تساهم قواعد اللغة للناطقين بها في ايجاد مجموعة واسعة من الاسس المختلفة التي تساعد بدورها على احداث اسس نحوية مناسبة. وبالشكل الذي سيمكننا من الحصول على معنى اشمل او معنى اكثر تعقيداً. تحدث هليدي في عام 1985 عن الاستعارة النحوية في الكتاب الموسوم ((درآمدى بردستور نقش گرا)) والتي تعد السمة البارزة في لغة كبار السن والتي يتم تعلمها في وقت متاخر بالمقارنة مع اللغة الدارجة اليومية . وبناء على ذلك سيفهم الاطفال تدريجياً هذه الظاهرة النحوية في السنوات الاخيرة من المراحل العمرية الابتدائية والمتوسطة. فان الغرض من هذا المقال، هو دراسة كل ما تطرق له هليدي بما يتعلق بالاستعارة النحوية في تعليم لغة الاطفال، ومراجعة كتب الشعر والقصة لليافعين من الفئتين العمرية ج و د (من 9 الى 13 سنة) للتعرف على معدل استخدام هذه الظاهرة وانواعها في مثل هذه النصوص . وبعبارة اخرى فان الهدف الاساسي لهذا البحث هو دراسة واستخلاص انواع الاستعارات النحوية المكتوبة في كتب النثر والشعر الفارسية وتحديد ترددها وبلاخص عند اليافعين. ففي هذا البحث تم اختيار كتيابين من الشعر وكتابين من القصة. وكل كتاب من القصة قد تم اختيار ودراسة 800 جملة بشكل عشوائي وكذلك الحال 800 بيت لكل كتاب من الشعر (بمجموع 3200 جملة وبيت) وبعد استخراج انواع الاستعارات النحوية من كتب الشعر والقصة يتم الحصول على النتائج المختلفة وتحليلها .